

اتحاد طبقاتی و درخشش طلوع اول ماه مه

عباس منصوران

با نگاهی به جنبش کارگری، از خیزش دیمه سال ۱۳۹۶ تا اول ماه مه سال جاری (1398) یعنی در درازای دو سال، در تمامی گستره ی ایران آنچه بیش از همه جاری است، حضور طبقه کارگر ایران می باشد. در طلوع ماه مه، این اعلام حضور طبقاتی، فرایند سال ها سرکوب و استثمار و مبارزه ای افزون بر یک سده در جنبش کارگری در ایران را نشان می دهد. این حضور طبقاتی نشانگر مبارزه ای فراگیر، عمق یابنده و فرارونده ای است که در برابر طبقه سرمایه دار و مناسبات حاکم و حکومت اسلامی آن، پیوسته و بی درنگ ادامه داشته است. شعار نان، کار، آزادی، خودحکومتی شورایی! که در دیمه 96 از سکوی یک همایش کارگری برخاست و در تمامی همایش های کارگری بازتاب یافت، یک مهر طبقاتی بر مبارزه جاری و سرنوشت ساز جاری است. مبارزه ای که اینک در سراسر ایران موج وار پیوستار می یابد و دامنه می کشد و در کردستان عراق- در سلیمانیه نیز شعار محوری روز اول **ماه مه می** گردد. این یک دورخیز طبقاتی است برای نبردی سرنوشت ساز.

برگزاری با شکوه اول ماه می (11 اردیبهشت) امسال، بیانگر حضور مستقل طبقاتی کارگران، تکامل شعارها و خواسته ها، اتحاد طبقاتی، اراده و بالندگی آگاهی طبقاتی، سراسری تر شدن مبارزات و حضور زنان در پیشتازی در جنبش کارگری است. این حضور، یک گام پیروزمندانه خود طبقه کارگر را به نمایش می گذارد و در تاریخ جنبش کارگری در این 40 ساله حکومت اسلامی، به نام خود به ثبت می رساند. این یک دستاورد پیروزمندانه است. اهمیت و بزرگی این پیروزی را زمانی می توان دریافت که شرایط حاکم بر همایشگران این مارش رزمنده را در نظر بگیریم. باید در نظر گرفت که چگونه کارگران زیر شدیدترین شرایط نظامی و امنیتی، با مرگ آورترین آوار تنگدستی و فلاکت بر تن و جان، خطر پذیر می شوند و در برابر نیروهای تا دندان مسلح سرمایه، پرچم اعتراض و شعار طبقاتی بر می

افرازند. این اعتراض، در تهران، یعنی قلب حکومت جعل و جنایت، با فراخوان یک اتحاد طبقاتی صورت می‌گیرد تا مرکز و لانه‌ی رهبری سیاسی و مجلس **قانونگذاری** حکومت سرمایه‌داران را نشان دهد و نشان دهد که نمایندگان سرمایه‌داران در این لانه‌ها و **پناهگاهها** غنوده‌اند و تا اعلام کند که طبقه کارگر در هر جا کارگزاران و مسببین ویرانی و

ربایندگان هستی و زندگی میلیون‌ها تن از خانواده‌های کارگری، بازنشستگان، جوانان و سالمندان و فرودستان شهر و روستا را می‌شناسد و به چالش می‌گیرد. این حضور طبقاتی، در زندان‌ها نیز بازتاب می‌یابد و در همه شهرها در کارخانه‌ها و مراکز حکومت سیاسی و حقوقی از تهران تا شوش و فولاد اهواز و اراک و عسلویه و سنندج و مریوان و سقز و نیشابور و... بیانگر افق دیگری است.

حضور و اتحاد طبقاتی سازمان‌های مستقل **طبقاتی مانند** سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری از سوی دیگر افشاگر ترفندهای ضدکارگری "سندیکاهای برساخته" و "موازی" و رسوا شده‌ای همانند "شورای اسلامی کار هفت تپه" یا "مجمع عمومی سندیکای واحد" را نشان می‌دهد. بیانیه مشترک این اتحاد طبقاتی نیز به مناسبت اول ماه مه، و حضور مشترک در برابر حکومت، یک اتحاد طبقاتی و امید آفرین است. این اتحاد چهار نهاد مستقل و زیر سرکوب اعلام می‌کند که:

خیزش گسترده مردم در دی ماه، واکنشی طبیعی به فقر عمومی جامعه بود "که هر چند با خشونت و زندان از شدت آن کاسته شده اما همچنان در شهرهای مختلف ادامه دارد".

این اتحاد، خواست‌های فوری کارگران را در 15 بند گنجانیده و سازمانیابی کارگران و مزدبگیران و اتحاد سراسری، تنها راه تغییر شرایط کنونی اعلام می‌کند.

این اتحاد طبقاتی به حکومت اعلام می کند که باید به آزادی اعتراض و اعتصاب، ممنوعیت کار کودکان و نوجوانان تن در دهد و

برابری مزد زن و مرد برای کار یکسان، رفع تبعیض نسبت به کارگران مهاجر به ویژه افغان ها و پرداخت مستمری بیکاری مکفی به بیکاران جوینده کار را به رسمیت بشناسد.

این اتحاد و فریاد تمامی کارگران در ایران اعتراض به خط فقر مطلق است که بر 45 میلیون کارگر و خانوار کارگری مرگ آفرین شده است.

در حالیکه تورم کالاهای اساسی و حیاتی از مرز 100 در صد گذشته است، حداقل دستمزد کارگران در سال 98 یک میلیون و 517 هزار تومان تعیین شده؛ که به سختی هزینه نان و پیاز و کمی پنیر خانواده کارگری را برآورده می سازد، در صورتی که برای این انتخاب مرگ آور، کارتن خواب شود و دیگر هزینه ای برای بیماری و درمان و مدرسه و لباس ووو در میان نباشد. چهار تشکل مستقل کارگری در بیانیه مشترک خویش، حداقل دستمزد 7 میلیون تومانی را حداقل پرداخت در حد خط فقر اعلام کرده بودند. سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و گروه اتحاد بازنشستگان، شورای عالی کار (این نهاد حکومتی و سرمایه داری) را نیز فاقد صلاحیت تعیین مزد کارگران خواندند.



هجوم انگل های حاکم به سفره خالی کارگران و تهی دستان، همراه با تعطیلی و فروپاشی تولید و درآمدهای خرد و واحدهای صنعتی در حال مرگ، نبود امنیت شغلی و رانده شدن هزاران کارگر و لایه

های خرده بورژوازی، اینک طاعونی است بر جامعه کارگری. حکومت اسلامی در سرانجام بحران فروپاشی، تا کی اعتراض و درخواست های طبقاتی و حق زندگی را با انگ و اتهام امنیتی، توان سرکوب دارد! پاسخ آشکار است، شمارش معکوس فروپاشی و پایان یابی عمر رژیم آغاز شده است. همایش های کارگری در سراسر ایران در روز کارگر، «جمع بندی» اعتراض ها و اعتصابهای کارگری سال 97 را به نمایش می گذارد.

بنا به آمار برگرفته شده از سرشماری سال ۱۳۹۵، بیش از ۱۴ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران را کارگران تشکیل می دهند. **بنابراین** و با به شمار آوردن دامنه ۳,۲ نفری خانوارهای کارگران، ۴۵ میلیون نفر یعنی بیش از ۵۰ درصد از جمعیت به طبقه کارگر بازمی گردد که با جلوه یابی از دیماه 96 و 97 با افزون بر 2000 اعتصاب و اعتراض و همایش و نیز برآمد اول ماه مه 98، نیروی بالقوه در حال دینامیزم و پویا و سرنوشت سازی را نوید می دهد. طبقه کارگر ایران از خیزش همه با همی و فریبکاری های سال 88 گذر کرده، و از آن زمان که عوامفریبی مکتبی همانند محمود احمدی نژاد که خامنه ای در برابر رفسنجانی و موسوی یک کاسگی خود را با او اعلام کرد ده سال گذشته است. احمدی نژاد در آستانه انتخابات سال ۱۳۸۸ در پاسخ به پرسش خبرنگاری که خواهان نظر وی در باره سندیکاها کارگری بود، گفته بود: «سندیکا دیگر چیست؟» زیر پا و به همراه رهبرش اینک شاهد اتحاد عمل سندیکاها هستند و به زودی خواهند دید که شعار خودمدیریتی شورایی چیست!

شعارهای روز اول ماه بر فراز میدان های حضور کارگران :

"دولت خیانت می کند، مجلس حمایت می کند"، "کارگر معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد!"، "گرانی تورم، بلای جان مردم!"، «منطق سرمایه داری فلاکت و بیکاری»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، «نان، مسکن، آزادی حق مسلم ماست»، «منطق سرمایه دار بیکاری و استثمار»، "این همه اختلاسگر، زندانه سهم کارگر" و "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" و در فضای به شدت میلیتاریزه شده شهرها

پیچید. آماده باش نظامی نیروهای سرکوب به ویژه در تهران و اهواز و شوش و هفت تپه و اراک و در حالیکه کارگران در محاصره شدید و هجوم نیروهای مشترک سپاه، سازمان اطلاعات سپاه و نیز نیروهای دولت روحانی بودند، رسانه حکومتی خانه کارگر اشغالی (ایلنا) در تهران نوشت: «به گفته شاهدان عینی، حضور نیروی‌های انتظامی در محل پررنگ بود.»

رضا علیخانی، مدیرکل سیاسی استانداری تهران پیشاپیش این روز جهانی را ممنوعه اعلام کرده بود و روز چهارشنبه به خبرگزاری حکومتی ایسنا گفته بود: «هیچ مرجعی برای برگزاری تجمع به ما تقاضایی نداده است و هیچ مجوزی هم از ناحیه استانداری صادر نشده است.» رضا علیخانی تأکید کرد: «این تجمع غیرقانونی است و نیروی انتظامی موظف است جلوی این تجمع را بگیرد و مسئولیت برقراری امنیت با نیروی انتظامی است.»

کارگران اما به فراخوان

سازمان ها، سندیکاها، انجمن ها و کانون های مستقل کارگری، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان پشتیبان خویش، پاسخی دندان شکن دادند. این یک ضرب شصت به حاکمیت سرمایه بود.

در ممنوعیت هر همایش کارگری،

حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی انتظامی وزیر کشور در آستانه روز کارگر سال ۱۳۹۸ تهدید کرده بود که «نباید گذاشت تجمع های کارگری به خیابان کشیده شود.» حکومت از حضور کارگران وحشتی بیش از همیشه دارد.

به اینگونه این همایش کارگری در تهران در برابر مجلس سرمایه ساعتها در محاصره برای جلوگیری از پیوستن کارگران و دانشجویان پیشرو مورد هجوم مسلحانه قرار گرفت. مانند همیشه مزدوران بسیجی و لمپن های لباس شخصی، تکیه گاه بی پایه ی ماهیت حاکمیت اسلامی سرمایه بودند. در این هجوم و

جنگ رژیم علیه طبقه کارگر، دهها تن از کارگران و **پاران** جنبش کارگری، تنها در این همایش دستگیر شدند و به زندان اوین و بند 209 سپاه و دیگر بازداشتگاه های مخفی کشانیده شدند.

طبقه کارگر ایران در این روز جهانی همراه با هم طبقه ای های خویش در ترکیه و فرانسه و آلمان و همه جهان، بدون سلاح و میلیتاریزمی که باید برای نبرد نهایی و تسخیر قدرت سیاسی برای تحقق سوسیالیسم به آن مجهز شود، نابرابرانه در برابر همه تهدیدها و نیروهای سرکوب حاکمیت سرمایه، در شهرها و مراکز کارگری، روز اول مه را همراه با مارش و حضور طبقاتی خود جشن گرفت. همایش انقلابی و طبقاتی کارگران در میدان بهارستان و در برابر مجلس شورای اسلامی، با پشتیبانی نهادهای مختلف کارگری و آموزگاران از جمله کارگران پروژه های پارس جنوبی، کارگران پتروشیمی های ماهشهر و بندر «امام خمینی»، فعالان کارگری شوش و اندیمشک و جمعی از کارگران محور تهران- کرج، اتحاد بازنشستگان، اتحادیه نیروی کار پروژه ای و کانون صنفی معلمان و... پاسخی در همبستگی و اتحاد طبقاتی گرفت. ویژگی اول ماه مه امسال جدا از اتحاد بخشهای مختلف طبقه کارگر، همبستگی و اتحاد عمل مشترک دیگر لایه های محروم جامعه، بر محور خواسته های مشترک و مبارزه علیه سرمایه داری و بردگی بود.

دستگیری های سراسری و ربودن فعالین و پیشتازان و پشتیبانان کارگران، آموزگاران، کارگران بازنشسته و قربانیان نظام سرمایه داری، افشاگر ناتوانی رژیم و توانمندی و پتانسیل جنبش کارگری و سوسیالیستی در ایران است. فوران خشم و سازمانیافتگی این جنبش های **شورانگیز** می تواند افق گشای جنبش رهایی بخشی باشد که هیچ نیرویی یارای مهار آن نخواهد بود. کارگران از تهران در دهها مرکز و میدان و خیابان تا هفت تپه و شوش و اهواز و کارگران ساختمانی مریوان و کارگران پیشتاز و آگاه سنندج تا بازنشستگان و آموزگاران و دانشجویان و زنان پیشتاز و تا مشهد و نیشابور و اصفهان و همه جغرافیای ایران، در روز اول ماه مه با برآمدی درخشان، و ادامه آن اینک اعلام تداوم مبارزه طبقاتی را

بر درفش و سکو و سنگر دارد. اگر برخی به زندان و بندهای حکومت اسلامی سرمایه سپرده شدند، و اینک در سراسر ایران، و نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخواه در بیرون مرزها، آزادی دستگیر شدگان و همه زندانیان سیاسی را درخواست می کنند. حکومت اسلامی هراسیده از سراسری شدن و فوران آتش فشانی دیگر، در بحران فروپاشی، شماری از دستگیر شدگان را آزاد کرد. این نیز یک دستاورد طبقاتی دیگر است به همانگونه که ادامه بازداشت رضا شهابی، حسن سعیدی و ناهید خداجوها و **اسماعیل** بخشی ها و سپیده قلیان ها، نیز نشانه هراس رژیم از جنبش پویای کارگری و سوسیالیستی است. بنا به گزارش های دریافتی، دستکم بیش از ۵۰ فعال کارگری، معلمان و دانشجویی در دو روز پیاپی همزمان با همایش های ۱۱ اردیبهشت به مناسبت روز جهانی کارگر برابر مجلس شورای اسلامی و معلمان در ۱۲ اردیبهشت در تهران دستگیر شده اند. برای رضا شهابی و حسن سعیدی از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و فرهاد شیخی قرار بازداشت یک ماهه صادر شده است. رسانه سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شش تن از اعضای این سندیکا در روز ۱۱ اردیبهشت دستگیر شده اند که هم اکنون در زندان اوین به سر می برند. در این یورش، چندین تن از فعالان دانشجویی نیز دستگیر شده و به زندان منتقل شده اند. منیژه عبدی، همسر اسماعیل عبدی آموزگار زندانی، نیز به همراه شماری از همایشگران مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در این همایش نیز در روز 12 اردیبهشت، روز معلم، دستکم هشت تن دستگیر شدند که رسول بداقی و محمد فلاحی از جمله دستگیر شدگان بودند.

این حضور درخشان، اعلام کیفرخواست طبقه کارگر و ستمبرانی است که به اعتراض برخاسته و علیه حکومت و طبقه ی سرپا فاسدی که باحکومت و حاکمیت خود و در تمامی نهادهای اقتصادی، سیاسی و مذهبی-ایدئولوژیک خویش، غوطه ور در فساد و گندیدگی بوده و محکوم به سرنگونی انقلابی است. روز اول ماه مه امسال نشان داد که زیر ستم طبقاتی **نشستگان** در ایران، خیزشگران خروشنده جنبش **طبقاتی**

هستند که در سنگین ترین شرایط سرکوب و فلاکت، نه تنها میدان مبارزه را رها نکرده بلکه رادیکال تر از پیش به سوی سازمانیابی و خودآگاهی یعنی مسلح شدن به شرایط عینی سویه گرفته اند. کارگران در این روز ممنوعه، بی آنکه اجازه همایش یابند در تهران در برابر مجلس اسلامی سرمایه گرد آمدند. کارگران رد محاصره به فراخوان چهار نهاد ممنوعه خویش تا مستقلانه سازش ناپذیری مباره خویش علیه سرمایه و سردمداران حکومتی را اعلام دارند. شورای اسلامی کار به رهبری سرکوبگران جنبش کارگری از قماش محجوب و حسن صادقی ها، فراخوان دادند تا شورای اسلامی کار در برابر خانه کارگر اشغال شده گردآیند. این همایش فرمایشی نیز از کنترل خارج شد و کارگران «سر به زیر»، از کنترل خارج شدند و شعارهای طبقاتی سردادند.

کارگران در سراسر ایران، در این حضور طبقاتی، طبقه کارگر از پیرامون به بیانگر برخورداری طبقه به پیشروان و سازماندهندگان رشته ها و شاخه های کاری و مبارزاتی و رشد آگاهی نسبی و بالنده ی خویش است.

این تغییر توازن قوا، نه یک حرکت و رویداد منفرد میانه و مرکز مبارزه روی آورده و متحد و متمرکز می شوند. این رویکرد، و پراکنده و در حاشیه، بلکه یک روند پیوسته و سراسری است. این روندی است که در پیشتازی آن، طبقه کارگر و سازماندهندگان و فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستی قرار دارند. روندی که از کرانه های خلیج فارس تا کردستان و آذربایجان و خراسان، از اهواز تا گیلان و مازندران، تا بلوچستان و فارس و خوزستان و پیرامون خواست های طبقاتی مشترک کارگران را به هم پیوند می دهد.



این حضور طبقاتی جنبش کارگری از **آغاز** پیدایش خود، به ویژه از سال 57 ، می رود تا چرخه ای بر گردونه ی لوکوموتیو تاریخ مبارزاتی به سوی انقلاب کارگری و سوسیالیسم را پیوستار باشد.

1 May at 09:05

قطعه‌نامه‌ی کارگران و فعالین کارگری در

"اول مه" روز جهانی کارگر سنندج

۱- تعیین حداقل دستمزد متناسب با زندگی مرفه و استاندارد امروزی

۲- آزادی بدون قید و شرط کارگران زندانی و منع تعقیب قضایی آنها، آزادی همه زندانیان سیاسی دربند

۳- برقراری بیمه بیکاری برای تمام بیکاران و جویندگان کار

۴- تأمین بیمه‌های اجتماعی کامل و کارآمد و مسکن مناسب برای بازنشستگان

۵- الغای هرگونه تبعیض جنسیتی، مذهبی، ملی و قومی در محیط کار و در سطح جامعه

۶- برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و رفع هرگونه تبعیض در میان کارگران

مهاجر با سایر کارگران

۷- منع کار کودکان

۸- حق برخورداری از تشکلهای مستقل کارگری بدون دخالت دولت و کارفرما

۹- لغو قراردادهای سفید امضا

۱۰- آزادی بیان، تحزب، عقیده، اعتراض، گردهمایی، اعتصاب و راهپیمایی

۱۱- پرداخت فوری تماممزدها و مزایای عقب افتاده کارگران

۱۲- ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان، سیاست‌های مداخله‌گرانه، جنگ افروزانه و تجاوزکارانه از جانب هر دولت متجاوز

را علیه مردم کشورها محکوم نموده و خواهان برقراری صلح، امنیت، رفاه و پیشرفت برای تمامی مردم ایران، منطقه و جهان هستیم

۱۳- تأمین نیازهای فوری سیل زدگان از جمله خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، مراکز آموزشی و تأمین مسکن مناسب و

بازسازی رایگان و جبران همه خسارات آنها از جمله خسارات کشاورزان توسط دولت

۱۴- اعلام تعطیلی رسمی روز کارگر و آزادی برگزاری مراسم بزرگداشت اول ماه مه در سطح کشور

"مستحکم باد همبستگی بین‌المللی کارگران جهان"

"رساتر و کوبنده تر باد فریاد حق‌طلبی کارگران و زحمتکشان علیه نظام سرمایه‌داری و قدرت‌های حامی آن"

"زنده باد رزم طبقه‌ی کارگر"

سه شنبه ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۹۸

"گویزه کویر" شهر سنندج